



کنیم. این اختلافات را بنشینید در همین جلسات حل کنید.» برخی از آقایان گفتند: «خب مظلوم واقع می شود. بعضی در بیرون می گویند چرا دولت جواب نمی دهد؟» ایشان گفتند: «من شاگرد شهید بهشتی هستم.» در پیام حضرت آقا هم این بود که برخی نسبت به ایشان رفتارهای نامناسبی داشتند، ولی شهید رئیسی هیچ گاه در مقام پاسخگویی برنیامد. می گفت ما باید برای مردم کار کنیم. آن اوایل که خیلی به ایشان تهمت زدند و مظلوم واقع شد، فرموده بودند: «امام راضی نیستند ما بخواهیم مردم را نگران کنیم.» سکوت های مکرر ایشان هم از این بابت بود. ایشان می گفت وظیفه ما این است که کار مردم را راه بیندازیم و مشکلاتشان را حل کنیم.

در سفرهای استانی مکرر از استانداران شنیدم که آقای رئیسی از برخی مشکلات متأثر شده اند و حتی وقتی توی هلیکوپتر نشسته اند به دور از چشم مردم اشک ریخته اند. ایشان با جدیت تمام دستور پیگیری می دادند. شاید مردم ندانند، ولی شهید رئیسی در جلسات، خیلی جدی با ما برخورد و از ما مؤاخذه و مطالبه می کردند.

• در مورد دیگر ویژگی های مدیریتی ایشان بگویید.

ایشان پرچمدار جوان گرایی دولت هستند؛ کاری که حضرت آقا روی آن تأکید بسیار دارند. حتی برخی

نظرشان این بود که رویکرد جوان گرایی در دولت به دلیل کم تجربگی جوان ها ممکن است تبعاتی داشته باشد، ولی ایشان پای این موضوع ایستادند و گفتند: «بالاخره این سفارش را آقا به ما کرده اند و ما هم باید انجام بدهیم. جوانان هم حتماً می توانند و ما هم باید کمکشان کنیم.»

از عظمت ایشان همین بس که در آخرین دیدار خصوصی ای که خدمت ایشان رسیدم، همین طور که در محوطه ریاست جمهوری داشتیم قدم می زدیم، از من معذرت خواهی کردند و گفتند: «شاید من گاهی اوقات در جلسات صدایم را بالا ببرم، ولی هدفم فقط این است که کار درست انجام شود و مردم دغدغه چیزی را نداشته باشند.» گفتم: «حاج آقا! این چه حرفی است که می فرمایید؟! شما جای پدر من هستید. شما هر چقدر هم که سر من داد بزنید، من به دیده منت می پذیرم.» ایشان مظهر وارستگی، مردم گرایی، حرکت جهادی، اخلاص و اخلاق مدیریتی بودند و می توان از آن به عنوان مکتب شهید رئیسی نام برد.

• **خاطرم هست سال گذشته که چند تا از استان های کشور درگیر کم آبی شدند، ایشان شبانه و سرزده به آن استان ها می رفتند تا به هر نحوی شده این مشکل را حل کنند و حل هم کردند.** هم خودشان می رفتند پیگیری می کردند و هم

مسئولین مربوطه را می فرستادند که بروند مشکل را حل کنند. بعد از اینکه همدان دچار مشکل کم آبی شد آقای وزیر را فرستادند که برود پیگیری کند. یادم است همان شب دستور دادند ۵۰ تا کمپرسی دارای تانکر آب از تهران حرکت کرد. گفتند به مردم آب بسته بندی رایگان بدهید. هلال احمر نیز آمد کمک کرد که مشکل حل شود. پروژه آبرسانی غدیر خوزستان و همین طور سدی که در روز شهادتشان رفتند افتتاح کردند از جمله طرح هایی بود که برای رفع مشکل آب کشور انجام شد. این سد حدود هجده سال بود که نیمه تمام مانده بود.

همین پیگیری ها بود که از ایشان یک مرد میانه میدان در حوزه مدیریت جهادی ساخته بود. ایشان در دولت به ما یاد داد و مکرر بر آن تأکید کرد که برای کار مردم خسته نشوید و اجرتان را از اهل بیت (ع) طلب کنید. ایشان اهل توسل بودند و هر سه شنبه شب هر جا بودند دعای توسلشان به راه بود.

• در پایان اگر صحبتی دارید، بفرمائید.

معتمد عزیزانی که این گونه عروج می کنند در آن دنیا دستشان بازر است و ان شاء الله کمک می کنند و دعایشان مشمول ملت ما و مظلومان عالم خواهد بود. اینکه حتی در کشورهای همسایه هم عزای عمومی اعلام می شود به خاطر این است که ایشان فقط متعلق به ملت ایران نبود.

صبح ها عموماً بعد از نماز صبح کار را شروع می کردند. قبل از صبح هم مشغول دعا و تهجد بودند و بعد از آن تا ساعت ۱۱ شب با ایشان جلسه داشتیم. طوری که محل کار و زندگی ایشان یکی شده بود. روزی که بالگرد ایشان دچار سانحه شد قرار بود صبح خدمتشان گزارشی در باره بهره وری که تأکید زیادی روی آن داشتند بدهیم. می فرمودند اگر بدانم حضور باعث تسریع در اتمام پروژه های نیمه تمام می شود، حاضرم هفته ای دو بار بروم شهرستان ها تا این کار اتفاق بیفتد



تعطیلات نداشت

عید نوروز امسال قصد داشتم گزارشی از کارهای انجام شده خدمت ایشان بدهم. نهم فروردین بود که دفترشان اطلاع دادند فردا جمعه ساعت ۹ صبح بیایید خدمت حاج آقا. هنوز هفته اول کاری کامل آغاز نشده بود. خدمت ایشان که رسیدم گفتند: «دیشب به حرم حضرت معصومه (ع) و جمکران رفتم و آمدم نماز صبح را خواندم. بعد هم یک استراحت کوتاه کردم و الان در خدمت شما هستم.» حدود نیم ساعت با هم جلسه داشتیم و بعد بلافاصله جلسات متعدد و متوالی ایشان شروع شد که همه در ارتباط با مشکلات مردم بود. به هیچ وجه در فکر این نبود که فرضاً امروز روز جمعه است، تعطیلات عید است و...